

تبیین اثرات اجرای مقررات دسترسی به بازار موافقت نامه کشاورزی^۱ بر اقتصاد کشاورزی ایران *

اکبر کمیجانی ** کیومرث نوری *** امید گیلانپور **** رضا مقدسی

گات / موافقتنامه کشاورزی / ایران

چکیده

همگرایی هر چه بیشتر اقتصاد جهانی و تشکیل سازمان جهانی تجارت WTO تأثیر به سزایی در روند تجارت بین المللی بجای گذاشته است به گونه‌ای که امروزه، حضور در عرصه تجارت بین المللی، بدون شناخت و تبعیت از مقررات تجارت جهانی بسیار غیرممکن به نظر می‌رسد. تجارت محصولات کشاورزی بنا به دلایل خاصی از اهمیت فوق العاده زیادی برخوردار است، به نحوی که یکی از مهمترین مسایل گات ۱۹۹۴، موافقت‌نامه کشاورزی است که مهمترین و بحث انگیزترین موضوع مطرح در این مذاکرات، بشمار می‌رود.

۱. گات ۱۹۹۴.

* این مقاله برگرفته از نتایج طرح پژوهشی مقررات دسترسی به بازار محصولات کشاورزی در موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت و اثرات آن بر اقتصاد کشاورزی ایران است که به سفارش موسسه پژوهشهای برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی در معاونت دانشگاه تهران به انجام رسیده است.

** دانشیار دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران

*** عضو هیأت علمی سازمان تحقیقات آموزش و ترویج کشاورزی

**** دکترای اقتصاد کشاورزی و محقق موسسه پژوهشهای برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی

مقاله حاضر، دسترسی به بازار موافقت نامه کشاورزی را مورد بررسی قرار می‌دهد و پس از شناسایی رژیم تجاری و موانع غیر تعرفه‌ای اعمال شده بر ورود محصولات منتخب کشاورزی در کشور و محاسبه معادل تعرفه‌ای آنها، با بهره‌گیری از مدل‌های اقتصادسنجی، اثرات اجرای مقررات دسترسی به بازار را بر قیمت، عرضه، تقاضا و واردات محصولات منتخب محاسبه و تحلیل می‌نماید.

مقدمه

تجارت به مفهوم عام از دیرباز به عنوان موتور رشد و توسعه اقتصادی مطرح بوده است. تجارت محصولات کشاورزی بنا به دلایل خاصی مانند استراتژیک بودن این محصولات، به رغم کاهش سهم آن از کل تجارت جهانی، متناسب با رشد تجارت جهانی اهمیت روز افزونی پیدا کرده است. امضای موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت - گات ۱۹۹۴ - و تشکیل سازمان تجارت جهانی (WTO) موجب ادغام و یکپارچگی تجارت جهانی در سطح بسیار وسیعی گردیده به نحوی که امروزه حضور در عرصه تجارت بین‌المللی بدون شناخت و تبعیت از مقررات سازمان تجارت جهانی تقریباً غیرممکن و یا حداقل بسیار سخت می‌باشد. با توجه به موفقیت‌های سازمان تجارت جهانی که در هم‌رای ساختن اعضاء و تاثیرگذاری بر اقتصاد جهان از خود به نمایش گذاشته است، با پیوستن تعداد زیادی از کشورها به آن و مزایایی که پیش‌بینی می‌شود با الحاق به آن سازمان تحقق یابد، تقریباً تمامی کشورها به نحوی درصدم پیوستن به سازمان تجارت جهانی می‌باشند.

همزمانی اجرای برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و حاکمیت سیاست‌های آزادسازی و تعدیل ساختاری به عنوان سیاست‌های کلان اقتصادی کشور با مذاکرات دور اروگوئه، باعث شد تا عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی از جمله مهمترین موضوعات مطرح در محافل سیاست‌گذاری کشور باشد. مقاله حاضر نیز مبتنی بر یکی از مطالعاتی است که در جهت هر چه شفاف‌تر کردن وضعیت بخش کشاورزی و اثرات احتمالی الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی بر این بخش به اجرا در آمده است.

در این مقاله، ابتدا رژیم تجاری محصولات کشاورزی طی پنجاه سال گذشته مورد مطالعه قرار می‌گیرد. سپس، از پایه‌های تئوریک توابع تقاضا، عرضه و واردات محصولات کشاورزی بحث خواهد شد. نتایج حاصل از تخمین توابع موردنظر با اعمال مقررات

دسترسی به بازار به طور مفصل مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد و در بخش پایانی، جمع‌بندی و نتیجه‌گیری ارائه خواهد شد.

۱. رژیم تجاری محصولات کشاورزی در ایران

در دوره پیش از پیروزی انقلاب، راهبرد انتخاب شده برای دستیابی به توسعه اقتصادی عبارت از راهبرد «توسعه صنعتی» بوده است، و بر این مبنا، در حالیکه سرمایه‌گذاری دولت در بخش کشاورزی طی برنامه سوم ۶۰ درصد بیشتر از بخش صنعت بود، پس از اجرای برنامه اصلاحات ارضی، این نسبت در برنامه چهارم معکوس گردیده و حتی در برنامه پنجم کاهش بیشتری هم یافت. پایین نگه داشتن قیمت محصولات کشاورزی و افزایش قیمت در سایر بخش‌ها به ضرر کشاورزی، افزایش هزینه‌های تولید در این بخش و نیز واردات و عرضه محصولات کشاورزی با قیمت پایین، همگی از عواقب انتخاب راهبرد توسعه صنعتی و کم بها دادن به بخش کشاورزی بود که ضعیف‌تر شدن هر چه بیشتر بخش کشاورزی و تبدیل شدن کشور به یک وارد کننده بزرگ محصولات کشاورزی را در پی داشت.

در رژیم گذشته، سیاست‌های طراحی و اعمال شده در برنامه‌های اول تا پنجم توسعه، عمدتاً متکی بر سیاست‌های تولید و نظام بهره‌برداری بوده و سیاستهای تجاری در آن منظور نگردیده و یا به صورت حاشیه‌ای بر سیاستهای تولیدی مطرح بوده است. در تمام برنامه‌های یاد شده، منابع تأمین مالی به شدت به درآمدهای نفتی وابسته بوده است که تغییرات مداوم وضعیت مالی این برنامه‌ها با توجه به درآمد نفت گواه این مدعا است. با وفور درآمدهای نفتی در سال ۱۳۵۳، اثر مشهود این درآمدها و برنامه بر بخش کشاورزی آشکار گردید به نحوی که سیل واردات محصولات کشاورزی و در مقابل، کاهش شدید صادرات محصولات کشاورزی به وقوع پیوست.

بعد از انقلاب اسلامی سیاست‌های کشاورزی ایران ابتدا به صورت کلی در سخنرانی‌های رهبران جمهوری اسلامی و سپس در قانون اساسی منعکس گردید. این

سیاست‌ها شامل اهداف کلی مانند تحقیق عدالت اجتماعی، خودکفایی در زمینه تولید مواد غذایی و اولویت دادن به مسایل کشاورزی و روستایی بود. تا پایان جنگ تحمیلی در سال ۱۳۶۷، برنامه مصوبی به نام برنامه توسعه‌ای در کشور وجود نداشت و برنامه‌های اقتصادی دولت در زمینه مسایل کشاورزی مانند سایر بخش‌ها بیشتر جنبه کوتاه‌مدت، خلق الساعه یا انفعالی داشت و دارای تداوم نبود. در این دوره، با توجه به ساختار دولتی تجارت خارجی و بحران سیاسی ناشی از جنگ تحمیلی، تعیین میزان کالاهای وارداتی در اختیار دولت قرار گرفت، که محدودیت‌های جدی را بر واردات محصولات کشاورزی در هنگام کمبود ارز مطرح ساخت و تلاش نامنظمی نیز از سوی دولت برای تشویق صادرات پذیرفت.

با پایان یافتن جنگ و آغاز دور تازه‌ای از تلاش‌های آگاهانه برای دستیابی به توسعه، دولت تلاش کرد تا با طرح برنامه‌های پنج ساله به بازسازی اقتصاد کشور پردازد. در برنامه پنج ساله اول در زمینه کشاورزی، عمده‌ترین هدف برنامه عبارت از خودکفایی در محصولات استراتژیک بود و تنها یکی از سیاست‌ها بطور ضمنی به بخش تجاری اشاره داشت. در برنامه اول، به علت تعدیلات انجام شده پس از جنگ، صادرات بخش کشاورزی از رونق قابل توجهی برخوردار بود.

موفقیت نسبی کشاورزی در تحقق اهداف برنامه اول در کنار عدم توفیق کامل سایر بخش‌ها باعث شد تا در برنامه دوم، بر نقش محوری بخش کشاورزی در توسعه اقتصادی تاکید گردد. مهمترین جهت‌گیری این برنامه در بخش کشاورزی بر استفاده از تعرفه‌های گمرکی در راستای حمایت از تولید داخلی، استمرار یارانه، معافیت مالیاتی و فراهم نمودن امکانات و تسهیلات مناسب صادراتی برای محصولات کشاورزی داشت. با این وجود، باید تاکید نمود که در قانون برنامه دوم، گرچه حدود یک پنجم از کل تبصره‌ها بطور مستقیم به بخش کشاورزی مربوط می‌شد، اما تنها یک تبصره، بطور مشخص، به مسایل تجاری بخش، توجه داشت.

به طور کلی، راهبردهای اتخاذ شده در دوره پس از پیروزی انقلاب، از ثبات کمتری برخوردار بوده است و چندگانگی و گاه تناقضاتی را در آن می‌توان یافت. در این دوره نیز سیاست‌های تولیدی و نظام بهره‌برداری در مرکز توجه قرار داشته و همچنان سیاست‌های تجاری تنها به صورت حاشیه‌ای و غیرمستقیم مورد توجه قرار گرفته است. به عبارت دیگر، قبل و بعد از انقلاب سیاست‌های تجاری محصولات کشاورزی بدون برنامه‌ریزی و تنها براساس ضروریات آبی و شرایط حاکم بر اقتصاد کشور اتخاذ گردیده است. بنابراین، در چنین شرایطی حتی حجم اندک صادرات بخش می‌تواند بسیار مهم باشد زیرا در عین بی‌ثباتی سیاست‌ها، صادرات بخش کشاورزی و محصولات سنتی از با ثبات‌ترین جزء صادرات غیرنفتی کشور بوده است. بنابراین، ضرورت دارد به سیاست‌های تجاری محصولات کشاورزی توجه ویژه‌ای مبذول داشت.

۲. پایه‌های تئوریک

به منظور شناسایی آثار موافقت‌نامه کشاورزی بر الگوی تولید محصولات کشاورزی اقدام به برآورد تابع عرضه شده است.

الف . تابع عرضه: برای برآورد تابع عرضه، مدل ریچارد شام وی^۲ و آن شانک^۳ که براساس الگوی تعدیل جزئی نرلاو^۴ طراحی گردیده مورد استفاده قرار گرفته است. در این الگو عرضه انتظاری^۵ تابعی از قیمت می‌باشد، لذا پس از تبدیل عرضه انتظاری به عرضه واقعی بر مبنای فرضیه تعدیل جزئی خواهیم داشت:

2. C. R. Schamway

3. A. A. Chang

4. M. Nerlave

5. Expected Supply

$$S_t = f_1 (P_{t-1}, PS_{t-1}, S_{t-1}, c_{1t}) \quad (۱)$$

S_t عرضه محصول موردنظر و S_{t-1} و P_{t-1} عرضه و قیمت محصول مورد نظر با یک وقفه زمانی و PS_{t-1} قیمت محصول جانشین کشت با یک دوره وقفه می‌باشد. c_{1t} نیز جمله اخلال است.

ب. تابع تقاضا: در غالب پژوهش‌های کاربردی، بی آنکه تابع مطلوبیت به طور صریح مشخص شود، به طور مستقیم تابع تقاضا تعیین و سپس به روش آزمون و خطا، تابعی که برازش بهتری را نشان می‌دهد، مبنای برآورد و پیش‌بینی قرار می‌گیرد. در این تحقیق نیز از چنین روشی پیروی شده است. بنابراین، مدل‌های تک معادله‌ای برای برآورد تابع تقاضا مبنای قرار گرفته‌اند که شکل کلی آن به شرح زیر است.

$$Q_{it} = f_2 (P_{it}, P_{jit}, Y_t, c_{2t}) \quad (۲)$$

Q_{it} و P_{it} مقدار و قیمت تقاضای موردنظر، P_{jit} قیمت محصول جانشین یا مکمل و Y_t درآمد مصرف‌کنندگان می‌باشد. c_{2t} نیز جمله اخلال است.

ج (تابع واردات: برای شناسایی عوامل موثر بر واردات محصولات کشاورزی و اندازه‌گیری حساسیت مقدار واردات نسبت به هر یک از عوامل با توجه به تئوری‌های اقتصادی شکل اولیه تابع واردات را به شرح زیر می‌توان بیان داشت:

$$M_{it} = F_3 (P_d / P_m, Y, Q, POP, ER, PS, TE) \quad (۳)$$

M_{it} مقدار واردات محصول موردنظر، P_d / P_m نسبت قیمت داخلی به قیمت واردات محصول موردنظر، Y درآمد ملی، Q تولید داخلی محصول موردنظر، POP جمعیت، ER نرخ ارز، PS قیمت کالای جانشین و TE معادل تعرفه‌ای می‌باشد.

۳. مقررات دسترسی به بازار در موافقت‌نامه کشاورزی

در حوزه دسترسی به بازار، سه موضوع تعرفه‌ای کردن موانع غیرتعرفه‌ای، کاهش معادل تعرفه‌ای در یک دوره زمانی مشخص و ایجاد تضمین مناسب برای حداقل دسترسی

مورد توجه قرار گرفته است. در این حوزه، اعضای متعهد موظفند نخست کلیه اقدامات غیرتعرفه‌ای خود را اعم از محدودیت‌های کمی واردات^۶، مالیات‌های متغیر وارداتی^۷، حداقل قیمت‌های وارداتی^۸، اعطای مجوز وارداتی احتیاطی، ادامه اقدامات تعرفه‌ای از طریق شرکت‌های تجاری دولت^۹، محدودیت‌های داوطلبانه صادراتی^{۱۰} و سایر اقدامات به عمل آمده در مرزها غیر از عوارض گمرکی را به تعرفه تبدیل نمایند. آنگاه کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه در تعهد مربوط به کاهش تعرفه‌های خود باید معادل تعرفه‌ای محاسبه شده را به ترتیب طی یک دوره ۶ و ۱۰ ساله به ترتیب ۳۶ و ۲۴ درصد کاهش دهند. به منظور جلوگیری از ایجاد موانع جدید بر سر راه گسترش تجارت، اعضا موظفند در چارچوب تعهد دسترسی به بازار، حداقل موقعیت دسترسی به بازار را در سطح فعلی حفظ نمایند و در مورد محصولات^{۱۱} که واردات آنها ناچیز بوده و یا به طور کلی وارداتی انجام نمی‌گیرد، حداقل دسترسی به بازار در سطح ۳ درصد مصرف کشور تعیین می‌شود که این میزان در مدت ۶ سال به ۵ درصد خواهد رسید.

بررسی تطبیقی رژیم واردات محصولات کشاورزی در ایران با مقررات دسترسی به بازار در موافقت‌نامه کشاورزی حکایت از وجود ۱۲ نوع مانع غیرتعرفه‌ای در ورود محصولات منتخب^{۱۱} دارد، که عبارتند از تجارت دولتی، محدودیت کیفی، نوع بسته‌بندی، محدودیت منوط به خرید داخلی، محل ورود، تخصیص ارز با نرخ‌های متفاوت و بررسی قیمت.

6. Quantitative Restrictions

7. Variable Levies

8. Minimal Price

9. Non Tariff Measures Maintained Through State Trading Enterprises

10. Voluntary Export Restrictions

۱۱. این محصولات عبارتند از: گندم، برنج، گوشت قرمز، پنبه، کره، چای، شکر تصفیه شده و تصفیه نشده، جو، ذرت، لپه، عدس، پیاز، سیب‌زمینی، زردچوبه و موز.

در اولین گام لازم است تا این موانع غیر تعرفه‌ای به تعرفه‌ای تبدیل شوند. در این راستا، با توجه به مفاد پیوست ضمیمه شماره پنج موافقت‌نامه کشاورزی، اصول کلی محاسبه معادل تعرفه‌ای به روش زیر فرموله گردید:

$$T_{ad} = [(P_d - P_w \times e) / (P_w \times e)] \times 100 \quad (۴)$$

$$T_{ad} = \text{معادل تعرفه ارزشی}^{12}$$

$$P_d = \text{قیمت عمده‌فروشی محصول در کشور}$$

$$P_w = \text{قیمت سیف وارداتی}$$

$$e = \text{نرخ ارز آزاد}$$

برای مثال، اگر در سال ۱۳۷۴، قیمت عمده‌فروشی یک کیلوگرم گوشت قرمز و قیمت سیف وارداتی آن به ترتیب ۸۸۲۰/۹ ریال و ۱/۵ دلار فرض شود، با احتساب نرخ ارز بازار آزاد در همین سال یعنی ۴۰۵۰ ریال، در این سال معادل تعرفه‌ای گوشت قرمز به صورت زیر محاسبه خواهد شد:

$$T_{ad} = [(8820/9 - (1/5 \times 4050)) / (1/5 \times 4050)] \times 100$$

ولی اگر همین معادل تعرفه براساس نرخ رسمی ارز (در سال ۱۳۷۴ برابر با ۱۷۵۰ ریال) محاسبه شود، به دلیل ارزان‌تر تمام شدن محصول وارداتی، معادل تعرفه‌ای به ۲۳۶ درصد افزایش می‌یابد. محاسبه معادل تعرفه‌ای محصولات منتخب کشاورزی و مقایسه آن با محدودیت تعرفه‌ای اعمال شده در مورد این محصولات نشان می‌دهد که اولاً معادل تعرفه‌ای اکثر محصولات کشاورزی منفی است که این امر خود حاکی از عدم حمایت نظام تجاری کشور می‌باشد. به نحوی که حتی مالیات پنهانی نیز به بخش تحمیل شده است. دوم، با توجه به تعدد موانع غیرتعرفه‌ای، تقریباً از موانع غیرتعرفه‌ای هم به خوبی استفاده نشده است. معادل تعرفه‌ای براساس نرخ آزاد ارز برای کلیه محصولات - به استثنای موز -

در اغلب سالها منفی است و دلیل این امر عمدتاً بالا بودن نرخ ارز می‌باشد که باعث می‌شود قیمت داخلی کمتر از قیمت وارداتی گردد. اما با نرخ رسمی ارز (به علت ارزش گذاری بیش از حد ریال) معادل تعرفه‌ای در اغلب سالها و برای اکثریت محصولات مثبت بوده است. حال اگر معادل تعرفه‌ای براساس نرخ آزاد ارز محاسبه شود - چنانچه مدنظر موافقت‌نامه کشاورزی نیز می‌باشد - در اغلب سالها، واردات کالا بدون وجود هیچگونه مانعی صورت گرفته و حتی به نحوی حمایت از واردات صورت پذیرفته است. این امر در شرایطی است که در اکثر کشورهای توسعه یافته، حمایت مرزی شدید و کاملاً مشخصی از محصولات کشاورزی صورت می‌گیرد.

۴. نتایج اجرای مقررات دسترسی به بازار

تعهدات دسترسی به بازار با تغییر موانع غیرتعرفه‌ای به موانع تعرفه‌ای و کاهش آن، باعث تغییر قیمت محصولات کشاورزی در تمام سطوح خواهد شد. به منظور شناسایی روند تغییرات قیمت ناشی از این تعهدات و همچنین برآورد تأثیر اجرای موافقت‌نامه بر سایر متغیرهای اقتصادی مانند تولید، مصرف و واردات، لازم است که ابتدا قیمت محصولات کشاورزی در کشور پس از اجرای موافقت‌نامه مورد محاسبه قرار گیرد. چون براساس بند ۴ پیوست ضمیمه شماره ۵ موافقت‌نامه کشاورزی، قیمت مورد نظر در تعهد دسترسی به بازار، قیمت عمده فروشی می‌باشد لذا در محاسبات، فقط از قیمت عمده فروشی استفاده شده است.

از سوی دیگر، قیمت محصولات کشاورزی پس از اجرای مقررات دسترسی به بازار در دو فرضیه جداگانه مورد محاسبه قرار می‌گیرد. فرضیه اول عبارت از آن است که قبل از پیوستن به سازمان تجارت جهانی، هیچ گونه تغییری در دیوار تعرفه‌ای کشور ایجاد نخواهد شد و در مقابل، براساس فرضیه دوم، در مورد محصولاتی که معادل تعرفه‌ای آنها منفی است، دیوار تعرفه به حدی بالا کشیده خواهد شد که معادل تعرفه‌ای این محصولات صفر

گردد. در مورد محصولاتی که معادل تعرفه‌ای محاسبه شده در سال ۱۳۷۴ مثبت بوده، معادل تعرفه‌ای جدید براساس بند ۶ ضمیمه شماره ۵ موافقت‌نامه با فرمول زیر محاسبه شده است:

$$\text{[(امین سال دوره اجرا - ۰/۲۴) - ۱] (معادل تعرفه‌ای سال ۷۴) = معادل تعرفه‌ای جدید}$$

۱۰

نتایج جدول (۱) نشان می‌دهد که اجرای مقررات دسترسی به بازار بدون بالا کشیدن دیوار تعرفه‌ای، باعث خواهد شد تا با توجه به معادل تعرفه‌ای منفی اکثر محصولات وارداتی، قیمت این محصولات تغییر محسوسی نیابد و در مورد تعداد معدودی از محصولات که معادل تعرفه‌ای مثبت دارند کاهش اندک قیمت در طول دوره ده ساله اجرا، مورد ملاحظه قرار خواهد گرفت. ولی در صورت بالا کشیدن دیوار تعرفه‌ای قبل از عضویت در سازمان تجارت جهانی، باید انتظار افزایش قیمت این محصولات را داشت که ممکن است با توجه به تورم موجود در کشور دارای آثار کوتاه مدت سیاسی و اقتصادی باشد. برای ایجاد این دیوار تعرفه‌ای لازم است تا اول، قدرت خرید مردم و دوم، مساله امنیت غذایی مورد توجه جدی قرار گیرد. همانطور که جدول (۱) نشان می‌دهد، بعد از اجرای مقررات دسترسی به بازار، قیمت در چهار حالت محاسبه شده است بدین ترتیب قیمت‌ها که ابتدا بدون بالا کشیدن دیوار تعرفه‌ای و سپس با بالا کشیدن دیوار تعرفه‌ای در دو نرخ، آزاد و رسمی ارز مورد بررسی قرار گرفته است.

جدول ۱ - شاخص قیمت محصولات منتخب کشاورزی قبل و بعد از اجرای مقررات دسترسی به بازار

شاخص قیمت بعد از اجرای موافقت‌نامه				شاخص قیمت سال ۱۳۷۴	محصول
با اعمال دیوار بدون اعمال دیوار	بدون اعمال دیوار	با اعمال دیوار	بدون اعمال دیوار		
تर्फه‌ای با نرخ ارز رسمی	تर्फه‌ای با نرخ ارز رسمی	تर्फه‌ای با نرخ ارز آزاد	تर्फه‌ای با نرخ ارز آزاد		
۲۷۵۰	۱۴۷۷	۲۸۶۷	۱۴۷۷	۱۴۷۷	گندم
—	۱۹۷۳۰۴	—	۱۹۹۶۹	۲۰۰۳۸	برنج
—	۱۰۷۰۰۵	—	۱۰۸۰۸	۱۰۸۹۰	گوشت
—	۳۷۵۱	۵۴۳۴	۳۷۷۱	۳۷۷۱	روغن نباتی
۱۸۹۱۰	۱۴۸۷۰۸	۲۵۰۶۹	۱۴۸۷۸	۱۴۸۷۸	پنیر
۶۷۲۶	۵۰۷۶	۸۶۷۵	۵۰۷۶	۵۰۷۶	کره
۵۷۴۷	۳۸۲۶	۶۸۲۹	۳۸۲۶	۳۸۲۶	چای
۳۸۱۳	۳۳۷۱	۵۴۷۸	۳۳۷۱	۳۳۷۱	شکر
—	۴۵۲۹	—	۴۵۷۳	۴۶۰۸	سیب زمینی
۷۹۰۰۰	۴۹۷۵	۹۰۸۴	۴۹۷۵	۴۹۷۵	پنبه و ش
—	۹۱۱۷	۱۳۴۸۵	۹۱۵۵	۹۱۵۵	جو

مأخذ: یافته‌های تحقیق

شاخص‌های قیمت محاسبه شده در دو حالت پیش گفته برای بررسی اثرات اجرای مقررات دسترسی به بازار بر عرضه، تقاضا و واردات محصولات منتخب مورد استفاده قرار گرفته است. برای اینکه نتایج محاسبات دقیق‌تر مدنظر قرار گیرد، نتایج محاسبات برای توابع فوق به طور جداگانه بررسی می‌شود.

۱-۴. تولید یا عرضه داخلی محصولات کشاورزی

با توجه به تئوری تابع عرضه که به طور مختصر ارایه گردید، تابع عرضه برای چند محصول مورد برآورد قرار گرفته است سپس با مدنظر قراردادن قیمت‌های محاسبه شده بعد

از اجرای مقررات دسترسی به بازار، اثر تعرفه‌ای کردن موانع غیرتعرفه‌ای بر عرضه محصولات بررسی می‌گردد.
در این جا فقط عرضه گندم ارایه می‌شود و نتایج سایر محصولات در جدول (۲) گزارش شده است.

$$\ln S_{it} = 7/535 + 0/332 \ln P_{it} (-1)$$

$$61/06 \quad 10/17$$

$$R^2 = 0/818 \quad R^2 = 0/810 \quad D.W = 1/675 \quad F = 103/418$$

معادله نشان می‌دهد که تولید گندم تنها تابعی از شاخص قیمت آن در دوره گذشته بوده و متغیر توضیحی دیگری در تابع، معنی‌دار نمی‌باشد. حال با قراردادن قیمت‌های محاسبه شده حاصل از اعمال یا عدم اعمال دیوار تعرفه‌ای بر حسب نرخ آزاد و رسمی ارز (گزارش شده در جدول ۱) در تابع عرضه، می‌توان تولید گندم را بعد از اجرای مقررات دسترسی در چهار حالت مورد نظر محاسبه نمود. مقایسه نتایج جدول (۲) نشان می‌دهد که بدون اعمال دیوار تعرفه‌ای، بعد از اجرای مقررات دسترسی به بازار، تولید گندم ایران تغییر نخواهد یافت ولی در صورت اعمال دیوار تعرفه‌ای، بعد از اجرای مقررات دسترسی به بازار، تولید گندم ایران افزایش خواهد یافت.

جدول ۲ - تولید محصولات منتخب قبل و بعد از اجرای مقررات دسترسی به بازار

(هزارتن)

محصول	قبل از اجرای مقررات		بعد از اجرای مقررات			
	تولید واقعی	تولید برآوردشده	بدون اعمال دیوار تعرفه‌ای		با اعمال دیوار تعرفه‌ای	
			نرخ ارز آزاد	نرخ ارزی رسمی	نرخ ارز آزاد	نرخ ارزی رسمی
گندم	۱۱۲۲۷	۹۸۳۷/۶	۹۸۳۷/۶	۹۸۳۷/۶	۱۲۲۷۱/۳	۱۲۱۰۲/۶
برنج	۲۳۰۱	۲۱۵۲/۴	۳۶۵۹/۱	۳۶۴۶/۷	-	-
ذرت	۷۰۰	۷۲۲/۶	۸۸۲/۱	۸۷۶/۵	۱۲۷۹/۰	-
گوشت قرمز	۶۷۰	۶۹۸/۵	۷۷۳/۵	۷۷۲/۷	-	-
چای	۵۶	۶۵/۳	۷۸/۶	۷۸/۶	۱۰۱/۲	۹۳/۹

مأخذ: محاسبات و یافته‌های تحقیق

* علامت - به معنی آن است که معادل تعرفه‌ای مثبت بوده و بالا کشیدن دیوار تعرفه‌ای لزومی ندارد.

همانطور که از جدول (۲) استنباط می‌شود، با توجه به وضعیت معادل تعرفه‌ای اکثر محصولات منتخب که منفی می‌باشد، بدون اعمال دیوار تعرفه‌ای تولید محصولات کشاورزی افزایش نخواهد داشت، ضمن آنکه انتظار نمی‌رود کاهشی نیز در تولید آنها ایجاد گردد. اما در صورت اجرای توصیه سیاستی اعمال تعرفه‌ای قبل از عضویت در سازمان تجارت جهانی، می‌توان انتظار داشت که تولید محصولاتی که معادل تعرفه‌ای آنها منفی است، افزایش یابد. گندم، ذرت و چای نمونه‌هایی از این محصولات هستند. در مورد محصولاتی مانند برنج و گوشت قرمز که معادل تعرفه‌ای آنها مثبت است (اگرچه عمده اختلاف قیمت ناشی از اختلاف کیفیت تولید داخلی و وارداتی است) بعد از اجرای مقررات دسترسی به بازار انتظار می‌رود اثرات مثبتی را بر تولید شاهد باشیم.

۴-۲. تقاضا یا مصرف محصولات کشاورزی

توابع تقاضا برای محصولات منتخب مورد برآزش قرار گرفته و براساس قیمت‌های بعد از اجرای مقررات دسترسی به بازار، تغییر تقاضا مورد بررسی قرار گرفته است. تابع تقاضای گندم به شرح زیر برآورد گردیده است:

$$\ln D_w = 8/145 + 0/093 \ln P_w + 0/301 \ln Pr$$

$$80/51 \quad 0-/97 \quad 3/95$$

$$R^2 = 0/966 = R^2 = 0/963 \quad D.W = 2/05$$

D_w مصرف گندم، P_w شاخص قیمت گندم و P_r شاخص قیمت برنج می‌باشد. با قراردادن قیمت‌های محاسبه شده در نتیجه اعمال یا عدم اعمال دیوار تعرفه‌ای (گزارش شده در جدول ۱) در تابع تقاضا، می‌توان تقاضای گندم را محاسبه نمود. نتایج مربوط به تقاضای گندم و سایر محصولات منتخب در جدول (۳) قابل ملاحظه است.

جدول ۳ - تقاضای محصولات منتخب قبل و بعد از اجرای مقررات دسترسی به بازار

(هزارتن)

محصول	قبل از اجرای مقررات		بعد از اجرای مقررات	
	تقاضای واقعی	تقاضای برآورد شده	بدون اعمال دیوار تعرفه‌ای	با اعمال دیوار تعرفه‌ای
			نرخ ارز آزاد	نرخ ارز رسمی
گندم	۱۳۰۲۷/۳	۱۴۵۶۳/۳	۱۴۸۱۰/۰	۱۴۷۶۷/۱
برنج	۳۴۸۹/۲	۲۱۲۵/۸	۲۱۱۸/۷	۲۱۱۹/۹
گوشت فرمز		۵۱۷/۰	۵۱۶/۹	۵۱۶/۹

مأخذ: نتایج تحقیق

اساساً با توجه به اینکه تقاضا به طور معکوس تحت تأثیر قیمت قرارداد و محاسبات قیمتی نشان داد که در مورد اکثر محصولات وارداتی، معادل تعرفه‌ای منفی است، از

آنجایی که بدون اعمال دیوار تعرفه‌ای قیمت تغییر چندانی نخواهد کرد، در نتیجه تقاضا برای محصولات نیز تقریباً ثابت باقی می‌ماند. اما با اعمال دیوار تعرفه‌ای چون قیمت افزایش می‌یابد، ملاحظه می‌گردد که تقاضا کاهش خواهد یافت. ولی در مورد محصولاتی مانند برنج و گوشت قرمز که معادل تعرفه‌ای مثبت دارند انتظار می‌رود که پس از اجرای مقررات دسترسی به بازار و کاهش معادل تعرفه‌ای در طی ۱۰ سال، تقاضا افزایش اندکی نشان دهد.

باید توجه داشت که دلیل تفاوت زیاد میان تقاضای واقعی و برآورد شده برنج آن است که در سال ۱۳۷۴ واردات برنج بسیار زیاد بوده است (۱۱۸۸/۲ هزار تن) و از آنجایی که هیچ آماری از مقدار ذخیره شده در دسترس نیست تمام واردت جزء تقاضا محسوب شده است. بنابراین، رقم ۳۴۸۹/۲ هزار تن چندان قابل اتکا نمی‌باشد.

۳-۴. واردات محصولات کشاورزی

همان طور که قبلاً اشاره شد، یکی از تعهدات دسترسی به بازار، عبارت از تأمین شرایط حداقل دسترسی به بازار است. در این خصوص لازم است حداقل دسترسی به بازار در سه سال آخر دوره مورد بررسی، محاسبه گردد. بدین منظور، موافقت‌نامه کشاورزی استفاده از فرمول زیر را پیشنهاد می‌نماید.

$$\text{حداقل دسترسی به بازار} = \frac{\text{مجموع واردات سه سال آخر}}{\text{مجموع مصرف داخلی سه سال آخر}} \times 100$$

حداقل دسترسی به بازار هر محصول در کشور متعاقد نباید کمتر از ۳ درصد باشد. در این جا، ضمن محاسبه حداقل فرصت دسترسی به بازار محصولات کشاورزی در کشور، به منظور بررسی تأثیر مقررات دسترسی به بازار بر واردات محصولات کشاورزی، تابع واردات براساس مباحث تئوریک و شرایط بازار برای چند محصول مهم وارداتی ایران مورد برآزش قرار گرفته که به تابع واردات گندم به شرح زیر اشاره می‌گردد.

$$\ln M_{it} = -1/689 \ln(P_m / P_d) - 0/342 \ln TE + 1/577 \ln D_{it} + 0/771 \text{Dum}$$

$$-3/37 \quad -2/49 \quad 15/43 \quad 4/86$$

$$R^2 = 0/802 \quad DW = 1/944$$

$$P_m / P_d = \text{نسبت قیمت وارداتی به داخلی}$$

$$TE = \text{معادل تعرفه‌ای}$$

$$M_{it} = \text{واردات گندم}$$

DUM = متغیر مجازی، سالهای ۵۳-۱۳۵۰، ۵۷ و ۵۸ صفر و برای بقیه سالها یک

علامت ضرایب متغیرهای توضیحی، جملگی مطابق انتظار است. از سوی دیگر، درجه توضیح دهندگی مدل نیز در حد بالایی قرار دارد. با اعمال قیمت‌های محاسبه شده در اثر اجرای مقررات دسترسی به بازار، در تابع واردات گندم و لحاظ کردن مقادیر سایر متغیرها برای سال ۱۳۷۴ نتایج حاصل پس از اجرای مقررات دسترسی به بازار برای گندم و سایر محصولات منتخب در جدول (۴) گزارش گردیده است.

جدول ۴ - واردات محصولات منتخب قبل و بعد از اجرای مقررات دسترسی به بازار

(هزار تن)

محصول		حد اقل دسترسی (درصد)		قبل از اجرای مقررات		بعد از اجرای مقررات	
		واردات قطعی		واردات برآورد شده		بدون اعمال دیوار تعرفه‌ای	
		نرخ ارز رسمی	نرخ ارز آزاد	نرخ ارز رسمی	نرخ ارز آزاد	نرخ ارز رسمی	نرخ ارز آزاد
گندم	۱۵/۹	۱۸۰۰/۳	۱۷۴۹/۵	—	۱۴۳۶/۷	۱۴۳۶/۷	—
برنج	۲۹/۳	۱۱۸۸/۲	۴۵۰/۹	۵۱۵/۳	۴۶۷/۳	۴۹۵/۲	—
جو	۱۰/۹	۱۰۷/۵	۷۰۳/۴	۵۶۲/۸	۵۹۳/۳	۵۶۴/۹	۴۶۳/۲
ذرت	۶۲/۴	۱۰۵۴/۵	۱۰۵۴/۵	۱۶۳۷/۴	۱۳۹۹/۵	۱۴۲۷/۳	—
گوشت قرمز	۹/۵	۷۶	۷۶	۳۰/۱	۳۲/۷	۳۲/۷	—

مأخذ: نتایج تحقیق

همانطور که در جدول (۴) ملاحظه می‌شود، بازار ایران برای محصولات کشاورزی بیش از حد تعیین شده در مقررات دسترسی به بازار (حداقل سه درصد) باز می‌باشد و در شرایط عضویت در سازمان تجارت جهانی نیازی به گشایش بیشتر بازار وجود ندارد، ولی این امکان وجود دارد که با آزادسازی تجارت محصولات کشاورزی و عملکرد عقلایی بخش خصوصی، حساسیت تابع واردات محصولات نسبت به متغیرهای اقتصادی تغییر پیدا کند. انتظار می‌رود که بعد از اجرای مقررات دسترسی به بازار، مقدار واردات عمده محصولات کشاورزی که معادل تعرفه‌ای آنها منفی است، تغییر چندانی پیدا نکند. اما به علت نوسانات شدید در واردات محصولات کشاورزی، این نتایج در مورد بعضی از محصولات (مثل جو) ممکن است مصداق نداشته باشد. اما در مجموع، انتظار می‌رود که واردات تغییر چندانی نداشته باشد. ولی در مورد محصولاتی مانند برنج و گوشت قرمز که معادل تعرفه‌ای آنها مثبت است، با کاهش معادل تعرفه‌ای در اثر عضویت در سازمان تجارت جهانی، مقدار واردات احتمالاً اندکی افزایش می‌یابد که این افزایش طی یک دوره دهساله براساس کاهش معادل تعرفه‌ای اتفاق خواهد افتاد.

جمع‌بندی و ملاحظات

آنچه مطالعه حاضر به صراحت نشان می‌دهد، در حاشیه قرار گرفتن سیاست تجاری و فرع بشمار آمدن آنهاست. سیاست‌های طراحی و اعمال شده، عمدتاً متکی بر سیاست‌های تولیدی و نظام بهره‌برداری است که این روند قبل و بعد از انقلاب تقریباً در مسیر مشابهی حرکت کرده است. از این رو، توجه به سیاست‌های تجاری و گنجاندن آن به شکل صحیح در برنامه‌ریزیها، یکی از ضروریات کشور بشمار می‌رود و به اعتقاد برخی، حتی شایستگی محوریت برنامه‌ها را هم دارد.

اجرای مقررات دسترسی به بازار، بدون اعمال دیوار تعرفه‌ای، باعث خواهد شد تا با توجه به معادل تعرفه‌ای منفی اکثر محصولات وارداتی قیمت این محصولات تغییر محسوسی

نیابد و در مورد تعداد معدودی از محصولات نیز که معادل تعرفه‌ای مثبت است، باعث کاهش اندک قیمت در طول دوره دهساله اجرای کاهش معادل تعرفه‌ای شود. اما در صورت بالا کشیدن دیوار تعرفه‌ای قبل از عضویت در سازمان تجارت جهانی، شاهد افزایش قیمت محصولات خواهیم بود که در این صورت چاره‌اندیشی برای امنیت غذایی از ضروریات بشمار می‌رود.

بدون اعمال دیوار تعرفه‌ای، انتظار می‌رود که تولید اکثر محصولات در اثر اجرای مقررات دسترسی به بازار افزایش محسوسی نیابد، تقاضا در حدودی سطح قبلی خود باقی بماند و مقداری واردات تغییر چندانی نیابد. اما بالا کشیدن دیوار تعرفه‌ای به علت افزایش قیمت انگیزه بیشتری برای تولید پدید می‌آورد و از سوی دیگر، انتظار می‌رود که تقاضا نیز با کاهش روبرو گردد. همچنین، می‌توان انتظار داشت که واردات نیز کاهش داشته باشد. از آن جایی که در حال حاضر تعرفه در واردات محصولات کشاورزی نقش اندکی دارد، می‌توان با رفتار هوشمندانه در ایجاد دیوار تعرفه‌ای مناسب، در پیوستن به سازمان تجارت جهانی منافع را حداکثر و از سویی زیانها را حداقل نمود.

منابع

۱. سازمان برنامه و بودجه، سنجش عملکرد بخش‌های تولیدی زیربنایی و خدمات رفاه اجتماعی طی پنج برنامه عمرانی، ۱۳۵۳.
۲. کمیجانی، اکبر و همکاران، تحلیلی پیرامون تجربه پیوستن برخی کشورها به سازمان تجارت جهانی و آثار اقتصادی الحاق ایران به آن، معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی، چاپ اول ۱۳۷۴.
۳. کمیجانی، اکبر و همکاران، مقررات دسترسی به بازار محصولات کشاورزی در موافقت نامه عمومی تعرفه و تجارت و اثرات آن بر اقتصاد کشاورزی ایران، موسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، چاپ اول، بهار ۱۳۸۰.
۴. موسی‌نژاد، محمدقلی و همکاران، کشاورزی در برنامه اول و مروری بر عملکرد آن، مجلس و پژوهش، سال اول، شماره ۵، آذر و دی ۱۳۷۲.
۵. ولدخانی، عباس، بخش کشاورزی در برنامه پنجساله تازه‌های اقتصاد، شماره ۲۵، خرداد ۱۳۷۱.
6. Anania, G. Policy Choices and Independence of Country Decisions in the Implementation of the 1996 GATT Agreement on Agriculture European Review of Agricultural Economics, vol. 24, 1997.
7. GATT. Modalities for the Establishment of Specific Binding Commitments under the Reform Program, 1997.
8. Ingco, M.D. Tariffication in the Uruguay Round: How Much Liberalization?. World Economy, Vol. 19, No. 4, 1996.
9. Sharma, R., Konandreas, P. and Green field, j. An Overview of Assessments of the Impact of the Uruguay Round on Agricultural Prices and Incomes, Food Policy, vol. 21, 1996.
10. Sumner, D.A. The Economic Underpinings of Uruguay Round Proposals, Improving agricultural Performance under the GATT, 1992.